

مطالعه‌ای پیرامون چگونگی برابری جنسیتی در آموزش و ارتقای امنیت روانی زنان جامعه ایران از طریق آموزش‌های مجازی

تاریخ دریافت مقاله: 90/1/17 تاریخ پذیرش مقاله: 90/5/13

وحیده علی‌پور¹، سوده توکلی²، محمدرضا سرمدی³

چکیده

مقدمه: مطالعه بکارگیری آموزش مجازی در مسیر تحقق برابری جنسیتی در آموزش جهت تأمین امنیت روانی زنان جامعه ایران می‌باشد.

روش: در این مقاله از پژوهش کیفی سود برده شده است رویکرد زمینه‌ای (برخاسته از داده‌ها) رویکرد منتخب از پژوهش کیفی در این مقاله است. جامعه آماری شامل اساتید و دانشجویان آموزشهای مجازی در ایران می‌باشد. نمونه‌گیری به صورت هدفمند تا رسیدن به حد اشباع صورت گرفته است.

یافته‌ها: رویکرد زمینه‌ای با کدگذاری در سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی (هسته‌ای) و در نهایت ارائه تئوری زمینه‌ای است.

نتیجه‌گیری: نتیجه‌گیری حاصل از تحقیق بیانگر این مطلب می‌باشد که آموزش مجازی در ایران نه تنها می‌تواند فرصتهای برابر آموزشی را برای زنان تأمین کند بلکه می‌تواند از طریق فراهم‌سازی شرایط حذف بُعد مکان و زمان و حذف مسافرت‌های بین شهری، و توان بخشی زنان در زمینه مدیریت همزمان خانواده و آموزش در تأمین و ارتقای امنیت روانی و رسیدن به فرصتهای برابر آموزشی آنها⁴ مؤثر باشد.

کلیدواژه‌ها: آموزش مجازی، امنیت روانی و برابری جنسیتی.

1 دانشجوی دکتری رشته برنامه ریزی آموزش از راه دور دانشگاه پیام نور vahideh.alipour0028@yahoo.com

2 کارشناس ارشد روان‌شناسی، مدرس دانشگاه

3 دانشیار دانشگاه پیام نور

A study of gender equality in education, psychological security of women in Iranian society through the Virtual Learning

Vahideh Alipour
Sodeh tavakkoli
Mohammadreza Sarmadi

Abstract

Introduction: The objective of this study is to apply virtual instruction in realization of gender equality in education and promotion of women's psychological security in Iran.

Method: Qualitative method along with grounded theory has been used.

Result & Conclusion: The subjects are all teachers and students of virtual learning in Iran. Targeted sampling has been done to reach saturation. Grounded approach contains three levels of coding: open coding, axial coding, and selective coding and at last we have grounded theory. The result show that e-learning not only provides the equality of education for both genders but also helps to make the psychological security available for them through providing conditions like eliminating the distance as well as space, and helping in house management.

Keywords: E-learning, psychological security, gender equality.

مقدمه

مفهوم انسانیت، همواره مفهومی برگرفته از زندگی اجتماعی است و انسان بودن زمانی معنا پیدا می‌کند که شخصیت و رفتارهای انسانی در جامعه انسانی معنا شوند. خداوند متعال انسانها را برابر آفریده است و انسانی را بر انسان دیگر مقدم نشمرده مگر در مسیر تقوا: "یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عند الله اتقاکم" ای مردم ما شما را آفریدیم از مرد و زن و قرار دادیم شما را ملت و قبیله، تا یکدیگر را بشناسید همانا گرامی‌ترین شما در نزد خداوند با تقواترین شماست (قرآن کریم، سوره حجرات، آیه 13).

بنابراین تفاوت بین انسانها را نه در آفرینش خداوند بلکه باید در عوامل فرهنگی، اجتماعی جوامع جستجو کرد. تفاوت اعضای جامعه اگر بر مبنای ویژگیهای طبیعی آغاز و

بر پایه ملاکهای فرهنگی و اجتماعی ارزش‌گذاری شود در این صورت برخی ویژگیهای طبیعی ارزشمند و برخی دیگر بی‌ارزش محسوب می‌گردند و در این حالت تفاوت‌های طبیعی به نابرابری اجتماعی تبدیل خواهد شد. از جمله این نابرابریها، نابرابریهای جنسیتی است. در بیشتر جوامع انسانی جنسیت پدیده‌ای فرهنگی، اجتماعی مربوط به جنس محسوب می‌گردد و نابرابری جنسیتی عبارت از نابرابریهای زنان و مردان در داشتن امکانات، موجود می‌باشد و نیز نابرابری جنسیتی اشاره به هر رفتار، سیاست و سایر کنشهایی است که نشان دهنده دیدگاه ثابت، فراگیر و نهادینه شده اعضای جامعه نسبت به قشر زنان به عنوان موجوداتی فرودست در زمینه‌های مختلف از جمله اشتغال، آموزش و سایر موارد می‌باشد (رابرتسون 1385: 278).

مقاله حاضر با این فرض که از رسالت‌های مهم جامعه تامین نیازهای انسانها است و نهادهای آموزش و پرورش می‌توانند از طریق انواع شیوه‌های آموزش از جمله آموزشهای مجازی این نیازها را برطرف سازند و این مسئله که آیا از طریق آموزشهای مجازی فرصتهای برابر آموزشی برای زنان فراهم می‌گردد و این فرصتها آیا می‌توانند در برآورده ساختن نیازهای روانی زنان موثر باشند یا نه؟ تدوین گردیده و ضرورت پرداختن به این امر مهم سبب شکل‌گیری این تحقیق بوده است.

ولستون کرافت¹ (1792) شاید نخستین کسی است که از واژه "نابرابری جنسیتی" استفاده نموده است. از دیدگاه کرافت تفاوت‌های بین دو جنس نشأت گرفته از اجتماع است و نه به صورت طبیعی بلکه از طریق اجتماع رخ داده است و نیز بر این اعتقاد است که استبداد و اقتدارگرایی مرد سالارانه منشاء این نابرابریها بشمار می‌رود و در نظامهای مرد سالارانه افراد می‌آموزند که به دیگران و بخصوص به زنان به دیده تحقیر بنگرند. نظام مرد سالارانه ریشه در خانواده، اجتماع، ایدئولوژی سیاسی و ملیت دارد و خانواده با آموزش و ارزش‌گذاری‌های نقش‌ها و پایگاه‌ها برای هر جنس، نقشی مهم در انتقال و درونی کردن ایدئولوژی مرد سالارانه دارد.

برانت و همکاران اعتقاد دارند نابرابری جنسیتی ارزیابی صلاحیت کمتر در همه فعالیتهای بر مبنای جنس، اعمال و رفتارهای کلیشه‌ای جنسیتی، شی‌گرایی، یا ارزیابی فرد به عنوان شریک جنسی و یا هر رفتاری که به رابطه بین دو جنس آسیب می‌رساند، می-

¹ Wollstoncraft, mary

باشد (احمدی، گروسی؛ 1385) دیدگاه‌های ناظر بر نابرابری جنسیتی بر پایه تحلیل خود را از ویژگی‌های طبیعی مرتبط با بستر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و بطور کلی منشاء نابرابری جنسی را در مقوله‌های فرهنگی، اجتماعی و روانی جستجو می‌کند. دوبار¹ نابرابری جنسیتی را در ساخت‌های اجتماعی و دستاوردهای فرهنگی نظام‌های مردسالارانه جستجو می‌کند و بورديو² نشان می‌دهد که طبقه‌بندی جنسیتی، کاربرد خشونت نمادین و زبان جنسیتی که پدیده‌های کاملاً اجتماعی هستند به این نابرابری‌ها شکل می‌دهند. ریچ³ این نابرابری را در نظام تربیت خانوادگی و چوردو⁴ آن را در تقسیم کار جنسیتی (رابرتسون 1385: 280) و مک کینون⁵ آن را در نهادهای قانونی دولتی می‌داند.

در نظریه‌های اجتماعی، نئو- وبری بازارکار تعیین‌کننده جایگاه طبقاتی است. پارکینوفورمی⁶ (1984) از دیدگاه وبری⁷ دو مفهوم جایگاه و انسداد اجتماعی⁸ را برای توضیح برابری جنسیتی به کمک می‌گیرد یعنی مردان با بهره‌گیری از راهبرد انسداد اجتماعی یعنی مردان با بهره‌گیری از راهبرد انسداد اجتماعی راه زنان را به سوی مشاغل که بالاترین منزلت و امتیازات را دارند، سد می‌کنند. مارکس جایگاه طبقاتی را در ارتباط مردان با ابزار تولید تعیین و مبنای تعیین طبقه فرد تولید و ارزش افزوده است. بنابراین استدلال، در این دیدگاه تنها از ناحیه مردان می‌باشد و زنان نقش حاشیه‌ای دارند.

در بسیاری از نظریه‌های طبقات اجتماعی و جایگاه طبقاتی بسیاری از زنان را مشتق از وضعیت اشتغالی مردان می‌دانند که با ایشان زندگی می‌کنند و در این رابطه سرنوشت زنان، علایق و اعمال اجتماعی زنان را وابسته به موقعیت خودشان می‌دانند. بلکه وابسته به موقعیت شغلی مردی که با او زندگی می‌کنند، می‌دانند گاهی در مباحث تحرک اجتماعی مطرح می‌گردد که برای زنان کمتر امکان صعود وجود دارد و تحرک، درون نسلی به نظر می‌رسد (آبوت، والاس، 1380).

1. Beauvoir, simon de

2. Bourdieu, pierre

3. Rich, adrienne

4. Chordorow, naneey

5. Kenon, mack

6. Parcinoformy

7. Brant

8. Social closure

در صحنه اشتغال نیز این نابرابری دیده می‌شود به طوری که بر اساس آمار سازمان ملل متحد (براون 1985) اگر چه زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند اما نزدیک به دو سوم از کار جهان به عهده ایشان است و 10 درصد درآمد را دریافت و داراییهای کمتر از 1 در صد هستند. دیدگاه سوزانتیانو (1987) در این رابطه جای تأمل دارد که معتقد است با درگیر کردن هر چه بیشتر زنان در اقتصاد و زندگی عمومی برابری جنسیتی حاصل خواهد شد (نظریه ادغام) و نیز مدرنیزه شدن به پیدایش نوعی نیروی کار ارزان زنانه منجر و موجب بهره کشی از زنان خواهد شد (نظریه بهره کشی).

برابری در آموزش: شاید بتوان گفت دستیابی دختران به فرصتهای برابر در نظام آموزشی را باید مدیون تلاشهای گروههای فمینیستی دانست زیرا این گروهها اعتقاد دارند که دختران باید از بخت مساوی در راستای آموزش مشابه با پسران برخوردار باشند و همچنین این گروهها به دنبال موفقیت و رشد پیشرفتهای تحصیلی، کسب نتایج بهتر در امتحانات و افزایش ورود دختران به دانشگاهها هستند و این موفقیت را در کسب سطوح بالاتر مشاغل توسط زنان و کسب مشاغل خوب می‌دانند.

دیلاسنپندر (1980) معتقد است نظامهای آموزشی بازتاب فرضیات مردانه درباره جهان بوده است به طوری که در این نظامهای آموزشی دختران می‌آموزند که هنرمندان، نویسندگان، جامعه شناسان بزرگ همگی مرد بوده و در تمامی حوزههای دانش آنها برتری دارند بطوری که حتی شاهد رشتههای آموزشی که برچسب زنانه و مردانه دارند می‌توان بود.

فمینیست‌های مارکسیست و سوسیالیست پا را از این هم فراتر گذاشته و در تجزیه و تحلیل مسایل جنسیتی از نظریه‌های باز تولید اجتماعی مانند آراء بولز و و جینتیس (1976) و نظریه‌های باز تولید فرهنگی (1977) سود می‌برند و نقش آموزش را در ارتباط با خلق نیروی کار می‌دانند و اعتقاد دارند که این مسئله به شدت مبتنی بر تقسیم جنسیتی و فرایند های دخیل در آن می‌باشد. آن ماری ولپ و میشل بارت (1977) نیز اعتقاد دارند خانواده و مدارس زنان را برای مشاغل کم درآمد و ثانویه بکار می‌گیرند و در نهایت برای خانه داری آماده می‌کنند این اعتقاد حتی در قرن 21 وجود دارد که هنوز در ابعاد حقوقی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، علی‌الخصوص در دستیابی به آموزش بین زنان و مردان

نابرابری و تبعیض وجود دارد (آبوت، والاس، 1380). تمبان¹ (1999) اعتقاد دارد حتی گاهی تبعیض جنسیتی به نقش‌های جنسی و اجتماعی ارتباط پیدا می‌کند بطوری که در بسیاری از فرهنگ‌ها هنوز این اعتقاد وجود دارد که جای زنان در خانه است و زنان فقط در نقش مادران و خانه‌دارای باید ظاهر شوند.

مطالعات کلاسیک صورت گرفته در مورد نابرابریهای آموزشی به عدم مشارکتهای اجتماعی بویژه از سوی مردان اشاره دارد (بلو، دانکن، 1967؛ بورديو و پاسیرون، 1977؛ کولین، 1979) اگرچه اکثر این پژوهشها در مورد جنسیت صورت گرفته‌اند اما در نهایت به سمت نابرابریهای آموزشی سوق داشته و مفهوم جنسیت در کنار نابرابری آموزشی معنا پیدا کرده است و این باور که نابرابریهای آموزشی وابسته به جنسیت بیشتر در ارتباط با زندگی اجتماعی زنان است و بیشتر از هر عاملی وابسته به آموزش و پرورش آن اجتماع است (جاکوبس و جری، 1996) و شکست زنان در زمینه تحصیل، عدم دسترسی آنها به آموزشهای آکادمیک و سطوح بالاتر آموزش و نتایج و پیامدهای حاصل از آموزش حتی آموزشهای عالی نیز مؤید این نقطه است که عوامل اجتماعی و فرهنگ هر اجتماع در این موارد نقش بی‌بدیل دارد.

مدارس به‌عنوان جوامع کوچک که تابعی از جامعه بزرگتر خویش هستند اختلافات جنسی را در غالب کتابهای درسی، دروس، رفتارهای متقابل فراگیران و مربیان شکل می‌دهند بطوریکه رفتارهای معلمان بطور ضمنی پیام‌های جنسیتی را منتقل می‌کنند (مارشال، 1997) تحقیقات در مورد آزمونهای استاندارد شده اوئیل (2000) در دانشگاههای برتیش کلمبیا و البرتا نشان می‌دهد که باورهای جنسیتی اغلب بر آزمونهای خواندن و نوشتن و در گزینش و تمایل زنان به دروسی مانند ریاضیات و دروس تکنولوژیکی و کامپیوتر تاثیر دارد و زنان در این رابطه بطور معنادار کارایی کمتری از خود در مقایسه با مردان نشان داده‌اند (پیرسون، 2008). انجمن زنان آمریکا در این رابطه گزارشی را در سال 1992 ارائه کردند که اشاره به این مطلب داشت که زنان در کلاسها کمتر مورد توجه معلمان قرار می‌گیرند و اغلب بازخوردهای منفی از طرف معلمان دریافت می‌کنند و بطور ضمنی نوعی تعصب جنسیتی را در کلاسهای درس، برنامه‌های درسی، بویژه برنامه‌های درسی پنهان در این رابطه می‌توان مشاهده کرد و نیز اغلب باورهای زنان در مورد تحصیلات بر این اساس

¹. Tembon

شکل می‌گیرد که تحصیلات خیلی مهم نبوده و همسانی رفتارهای آنها با مردان در کلاسها سبب برچسب های خاص از طرف بزرگسالان بخصوص از طرف معلمانشان خواهد شد (ری، 2001). تاثیر برنامه‌های درسی پنهان را حتی می‌توان در گرایش زنان به درس، بویژه در آموزش عالی نیز دید بطوریکه زنان امروزه تمایل کمتری به سمت دروسی مانند ریاضیات پیشرفته، واحدهای تکنولوژیکی، کامپیوتر دارند. این فاصله جنسیتی عمیق در مورد رشته‌های تحصیلی نیز وجود دارد بطوریکه بسیاری از رشته‌ها را می‌توان به رشته-های زنانه و مردانه تقسیم کرد که این تفاوت‌های جنسیتی را شاید بتوان حاصل برنامه‌های درسی پنهان در مقاطع تحصیلی پایین‌تر دانست (بالی، 1992).

آموزش الکترونیکی (آموزش مجازی) که شیوه‌ای نوین در آموزش محسوب می‌گردد به تمامی شیوه‌های یاددهی و یادگیری که از طریق فناوری پشتیبانی صورت می‌گیرند اطلاق می‌گردد و (لی بود، نولتینگ، توانگریان، 2004) حیطه وسیعی از تعاریف را در برمی‌گیرد که همگی تعاریف در موارد افزایش دسترسی به منابع، انعطاف در برابر یادگیرنده و توسعه مهارتها توافق دارند (لوونتا، ویلسون، پریش، 2009). گاهی برخی از اندیشمندان آموزش مجازی را در ارتباط با اینترنت معنا می‌کنند مانند هاروارد بلک¹ که آموزش الکترونیکی را عامل توجه به یادگیری از طریق اینترنت می‌داند و نیز الیوت ماسی² که آموزش مجازی را مبتنی بر فن‌آوری شبکه می‌داند که از طریق طراحی، انتخاب، اداره کردن و بسط دادن آموزش منتهی به آموزش و یادگیری می‌شود و نیز دست‌اندرکاران سیستم‌های سیسکو³ نیز آموزش مجازی را منتهی به یادگیری‌های اینترنتی می‌دانند که می‌تواند شامل رساندن مطلب در چندین شکل، مدیریت آموزش و مجموعه شبکه شده‌ای از فراگیران و تعدادی توسعه دهنده و کارشناس خبره است و آموزش الکترونیکی را عامل یادگیری سریع‌تر با هزینه‌های کمتر می‌دانند که می‌توانند سبب دسترسی همه به آموزش و شرکت همگان در فرآیند یادگیری شوند. کورنلیا وگان⁴ آموزش الکترونیکی پویا را، که دارای محتوای کاملا به روز است می‌داند. این آموزش فرهنگ، قوانین و قواعد آموزشی خاص خود را تولید و حفظ می‌کند و عامل جنسیت در این آموزش بر همین اساس تابع فرهنگ آموزش مجازی

1. Havard Black

2. Eliot Masie

3. cisco

4. Cornelia Weggen

است. در آموزش‌های الکترونیکی اگر چه تکنولوژی از انتقال دیسپلین‌ها و حساسیتهای موجود در مورد یاددهی جنسیتی حمایت می‌کند در عین حال نیاز به واسطه‌هایی جهت تجزیه و تحلیل ارتباطات بین تکنولوژی و جنسیت وجود دارد (اشمیت، نیکولیزیک، 2009).

در این راستا باید اشاره داشت که کشور ایران با داشتن جمعیتی جوان که نیمی از این جمعیت را زنان تشکیل می‌دهند، خواهان بهره‌گیری از آموزش‌هایی است که پاسخگوی نیازهای زنان و مردان کشور باشد. آموزش مجازی، آموزش نوینی است که با بکارگیری فناوریهای گوناگون در آموزش می‌تواند هم فرصت و هم محدودیت تلقی گردد. هدف تحقیق بررسی تاثیر بکارگیری آموزش مجازی در جهت تأمین و ارتقاء امنیت روانی- اجتماعی زنان جامعه ایران با دادن فرصتهای برابر آموزشی به آنها است.

روش

پژوهش حاضر، پژوهش کاربردی است و از شیوه کیفی با رویکرد زمینه‌ای سود برده شده است. در پژوهش کیفی مراحل زیر طی می‌گردد (نادری - سیف نراقی، 1388) جمع‌آوری داده‌ها از طریق روشهایی مانند مصاحبه، مشاهده، تجزیه و تحلیل متون مرتبط و یا به- صورت ترکیبی از این موارد، رمز گذاری هر قطعه یا بخش داده‌ها همزمان با گردآوری داده‌ها، مقایسه داده‌های رمزگذاری شده با یکدیگر و دسته‌بندی آنها براساس وجوه مشترک، تولید مفاهیم، محقق با استفاده از سه عمل کاهش، دست چین و جداسازی به بسط مفاهیم و تقویت نظریه در حال شکل‌گیری اقدام می‌کند. روش گردآوری اطلاعات در پژوهش حاضر از روش مصاحبه نیمه‌ساختار یافته عمیق (مصاحبه با 30 نفر از مخاطبان آموزش‌های مجازی ایران) جهت گردآوری داده‌ها استفاده شده است.

جامعه مورد بررسی شامل مخاطبان آموزش‌های مجازی کشور ایران می‌باشد. در تئوری زمینه‌ای، کار گردآوری داده‌ها تا زمانی ادامه می‌یابد که پژوهشگر اطمینان پیدا می‌کند داده چیز تازه‌ای به دانسته‌های او نمی‌افزاید (اشباع) و علاوه بر آن حجم، گستره و عمق داده گردآوری شده نیز برای تدوین تئوری مورد نیاز و پاسخگویی به پرسشهای پژوهش کفایت می‌کند (منصوریان، 1386) در نمونه‌گیری حاصل نیز تعداد افراد نمونه با معیار اشباع نظری تعیین گردیده با انجام مصاحبه عمیق از مخاطبان پس از مصاحبه از 20 نفر از

متخصصان اشباع حاصل گردید اما جهت اطمینان بیشتر مصاحبه‌ها تا 30 نفر ادامه پیدا کرد.

هدف عمده پژوهش کیفی بررسی عمیق و کسب شناخت در خصوص مفاهیم گوناگون اجتماعی و فرهنگی است برای دست یافتن به این مفاهیم دقیق روش تئوری زمینه‌ای انتخاب گردید. روش زمینه‌ای یک شیوه پژوهش کیفی است که بوسیله آن از یک دسته داده نظریه‌ای استخراج می‌شود به طوری که این نظریه در سطح وسیع می‌تواند یک فرایند یا عمل یا یک تعامل را تبیین کند (بازرگان، 1387) این شیوه پژوهش در عین کمک گرفتن از یک سلسله رویه‌های سیستماتیک و بکار بردن روشهای استقرار درباره پدیده‌ها تدوین نظریه را پیش می‌برد (محمدی، 1387) در رویکرد زمینه‌ای حاضر از رویکرد زمینه‌ای سیستماتیک (اشتراوس، کوربن، 1992) سود برده شده است که از طریق کدگذاری در سه مرحله شامل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی و در نهایت تدوین نظریه استفاده گردید.

کدگذاری، فرایندی است که طی آن محقق به جداسازی، مفهوم‌بندی و ادغام و یکپارچه کردن داده‌ها می‌پردازد در این فرایند واحد بنیادین " مفهوم " است. در کد بندی باز که اولین مرحله کدبندی است داده‌ها سطر به سطر یا بصورت پاراگرافی کدبندی و مفهوم-بندی می‌گردند در مرحله بعدی یعنی مرحله کد گذاری محوری مفاهیم بر اساس اشتراکات و یا هم معنایی در کنار هم قرار گرفته و مقوله محوری را تشکیل می‌دهند و در نهایت در مرحله کد گذاری گزینشی (هسته‌ای) مهم‌ترین موضوع پژوهش استخراج می‌گردد و براساس این موضوع نظریه زمینه‌ای ارائه می‌گردد. کدبندی مستلزم دقت فراوان است چرا که در مدل زمینه‌ای نهایی این مقولات سهم عمده‌ای داشته و شرایط و پیامدها را به تصویر می‌کشند (گلاسر و اشتراس، 1967؛ گلاسر، 1998؛ دی، 1993؛ اورباخ و سیلورستین، 2003؛ کوربین و اشتراس، 2008). در پژوهش حاضر مرحله کد گذاری باز، کد گذاری محوری و کد گذاری گزینشی در تحلیل داده‌ها اجرا و در نهایت تئوری زمینه-ای ارائه شده است.

کدگذاری باز

- بارداری و زایمان و نگهداری از فرزندان، مدیریت منزل و ... به علت نقش مهم مادران در خانواده عامل تمایل به آموزش مجازی می باشد .

- گاهی تفکر سنتی پدران و همسران، در برخی فرهنگهای و قومیت‌های خاص، کلاسهای مختلط و سفر برای آموزش در مورد زنان نمی پسندند و این عامل مانع مهم در مسیر آموزش زنان محسوب و خانواده ها آموزش مجازی را ترجیح

- امنیت جسمانی و خطراتی که در حین رفت و آمد زنان دانشجو و کسانیکه از مناطق دور هستند وجود دارد

کدگذاری محوری

- تبعیت از سنتها و خرده فرهنگها و قومیت‌های خاص سبب تمایل به آموزش مجازی است و زنان از طریق آموزشهای مجازی ند بخشی از نیازهای خود را تامین کنند

کدگذاری هسته‌ای

تاثیر آموزش مجازی در بدست آوردن فرصتهای آموزشی و تامین نیازهای روانی و اجتماعی و حتی جسمانی زنان

مرحله کدگذاری باز:

- بارداری و زایمان و نگهداری از فرزندان، مدیریت منزل و نقش مهم مادران در خانواده عامل تمایل به آموزش مجازی می باشد.

- گاهی تفکر سنتی پدران و همسران، در برخی فرهنگها و قومیت‌های خاص، کلاسهای مختلط که سفر برای آموزش را برای زنان پسندیده نمی دانند و این عامل مانع مهم در مسیر آموزش زنان محسوب و خانواده ها آموزش مجازی را به عنوان یک آموزش مناسب ترجیح می دهند.

- امنیت جسمانی و خطراتی که در حین رفت و آمد خصوص در مورد کسانیکه از مناطق دور کشور وارد دانشگاههای شهرهای بزرگ می شوند که اکثر آنها در پایتخت و یا شهرهای بزرگ تمرکز دارند مشکلاتی را بوجود می آورد که سبب می شود زنان و خانواده های آنها آموزش مجازی را ترجیح دهند.

کدگذاری محوری

- پیروی از سنتها و دغدغه‌های فرهنگی مربوط به سبک زندگی خانوادگی ایرانیان، همچنین ارزشهای متعلق به خرده فرهنگها و قومیت‌های خاص سبب تمایل بیشتر زنان به آموزش مجازی است.

- زنان از طریق آموزشهای مجازی نه تنها بخشی از نیازهای خود را تامین مخصوص به امنیت و سلامت روان بیشتری دست می‌یابند.

- زنان از طریق آموزشهای مجازی می‌توانند به احساس برابری جنسیتی و امنیت روانی از طریق برطرف شدن برخی موانع دست پیدا کنند و این امر سبب شکوفایی استعدادها و تعامل هرچه بیشتر با جامعه خواهد بود. کدگذاری گزینشی (هسته‌ای)

- تاثیر آموزش مجازی در بدست آوردن فرصتهای آموزشی و تامین نیازهای روانی و اجتماعی و حتی جسمانی زنان.

نظریه زمینه‌ای که آخرین مرحله در رویکرد زمینه‌ای و زمینه‌ساز تدوین تئوری است زمانی شکل می‌گیرد که پژوهشگر با انبوهی از مفاهیم، یادداشتها و مجموعه عظیمی از داده‌های کیفی روبرو است که طی مراحل قبلی به تدریج شکل گرفته‌اند (پاول، 1999) در این حالت پژوهشگر به ریزترین جزئیات پژوهش احاطه دارد و سعی دارد تئوری را از دل داده‌ها بیرون بکشد و آن را برای سایر افراد به بهترین وجه ممکن نمایان کند این تصویر تصویری واضح که نه تنها به پرسشهای محقق پاسخ می‌دهد بلکه برای سایر محققین و آینده منشاء تولید پژوهشهای تازه است (استراس، 1998). نظریه زمینه‌ای حول سه محور اساسی مقولات تعاملی، مقولات فرایندی، مقولات پیامدی شکل می‌گیرد و پژوهش را در راستای داده‌ها برای سایرین قابل هضم می‌سازد. در این پژوهش مقولات شامل موارد زیر هستند:

مقولات تعاملی:

- نقش حمایتی والدین و نگرانیهای آنها در مورد فرزندانشان بخصوص دختران سبب گرایش آنها به آموزش مجازی است.

دانشجو ارشد ب. 4: جنسیت به علت تعصب والدین مبنی بر اینکه که فرزندان آنها راه دور نروند برای افرادی که این پیش زمینه را داشته باشند. در حال حاضر هنوز آموزش مجازی جا نیفتاده تا نظر خانواده‌ها را راجع به جنسیت بتوان قضاوت کرد. مثلاً خواهرم

در دانشگاه فردوسی، قبول شد پدرم چون خوابگاه نداشت اجازه نداد تا خواهرم ادامه تحصیل در مشهد بدهد. جنسیت و بعد مسافت باعث شد تا این عامل سبب نرفتن به دانشگاه شود.

دانشجو کارشناسی دانشگاه خ شماره 1: بعضی از خانواده‌ها سخت می‌گیرند و خیلی سختی هستند و چون کلاس برگزار نمی‌شود طرفدار این آموزش هستند دانشجوی کارشناسی دانشگاه خ. شماره 11: خانواده‌ام مخالف ورود به دانشگاههای شهرستانها بودند و من وارد آموزش مجازی شده‌ام و گاهی درست برعکس دانشجوی کارشناسی دانشگاه ت. شماره 12: جنسیت دخیل نیست من شهرستانی هستم و از شهرستان می‌آیم و هزینه سفر زیاد است. روی کلاسهای رفع اشکال من مسافرت می‌کنم هیچ منعی هم از طرف خانواده ندارم.

- زنان متاهل و همسران آنها گرایش بیشتری نسبت به آموزش مجازی دارند.

استاد.خ. شماره 6: در خانواده‌هایی که خانم‌ها بچه‌های کوچک دارند و و یا خانمی در دوره بارداری وارد دانشگاه مجازی می‌شوند این مسئله که زنان از طریق این آموزش هم به کار علمی و آموزش می‌رسند و هم خانواده خودشان را از جهات متفاوت تامین می‌کنند هم برای آنها و هم خانواده آنها بهتر است دانشجوی ارشد دانشگاه ت: 1: شاید آموزش مجازی برای خانم‌ها بهتر باشد زیرا بهتر می‌توانند همزمان چندین کار را با هم انجام داد. شرکت در کلاس به همراه انجام فعالیت‌های منزل و ..، ضبط مطالب کلاسها و در زمان مناسب به آنها گوش دادن کمک به مدیریت کارها در زمان مناسب می‌نماید. عدم شناسایی شدن یا گننام بودن: شاید مورد پسند بیشتر خانم‌ها باشد. دانشجوی کارشناسی ا. شماره 13 امنیت و رفت و آمد زنان دانشجوی و کسانیکه از مناطق دور کشور در دانشگاههای شهرهای بزرگ قبول می‌شوند مشکلاتی را بوجود می‌آورد که خانواده‌ها آموزش مجازی را می‌پسندند.

دانشجوی کارشناسی خ. شماره 8 زنان در محیطهای آموزش مجازی احساس امنیت روانی و جسمانی دارند.

استاد.خ. شماره 4 در ایران، خانمها بیشتر در کلاس حضور دارند خیلی از خانواده‌ها شاید در شهرستان و حتی در همین تهران از نظر امنیت نگران هستند یا مادری که بچه سه ماهه دارد و رفت و آمد حتی داخل تهران برای او سخت است و اگر آموزش مجازی

باشد راحتتر به بچه و زندگی خودش می‌رسد و یا کسانی که در نقاط دور مثل جنوب زندگی می‌کنند و این آموزش می‌تواند صورت گیرد. استاد. ش. شماره 8 دختر خانمها امنیت اجتماعی را تجربه می‌کنند و محدودیتهای اجتماعی را خوب درک می‌کنند به علت خوابگاه، محل تحصیل، و ... برای آنها مهم است احتیاج به رفت و آمد ندارند و در بعد دیگر محرومیتهای اجتماعی است که جامعه مردسالار است آزادی بیشتر به پسرها داده می‌شود تا دخترها، پسرها را خودشان حتی برای مدرسه رفتن آزاد می‌گذارند اما در مورد دخترها اینطور نیست و در این حالت آموزش مجازی امنیت روانی و جسمانی است دانشجوی دختر پشت سیستم راحتتر آموزش می‌بیند و این مورد می‌تواند خانواده و جامعه را به سمت آموزش مجازی بیشتر سوق دهد.

مقولات فرایندی:

- آموزش مجازی سبب ورود قشر وسیعی از زنان به صحنه آموزش است.

آموزش مجازی سبب امنیت و حس روانی مناسب در ارتباط با مدیریت منزل، حس وفاداری به خانواده و همسر، حس والد خوب و تمرکز بر تربیت فرزندان در مورد مقولات فرایندی مصاحبه دانشجویان مذکر و متأهل اشاره به این بُعد از آموزش مجازی است بطوریکه دانشجوی ارشد دانشگاه ت 1 اظهار می‌کند که شاید آموزش مجازی برای خانمها بهتر باشد زیرا بهتر می‌توان همزمان چندین کار را با هم انجام داد. شرکت در کلاس به همراه انجام فعالیت‌های منزل و ..، ضبط شدن مطالب کلاسها و در زمان مناسب به آنها گوش دادن کمک به مدیریت کارها در زمان مناسب می‌نماید.

مقولات پیامدی:

- نشر فرهنگ آموزش مجازی توسط خانواده‌ها

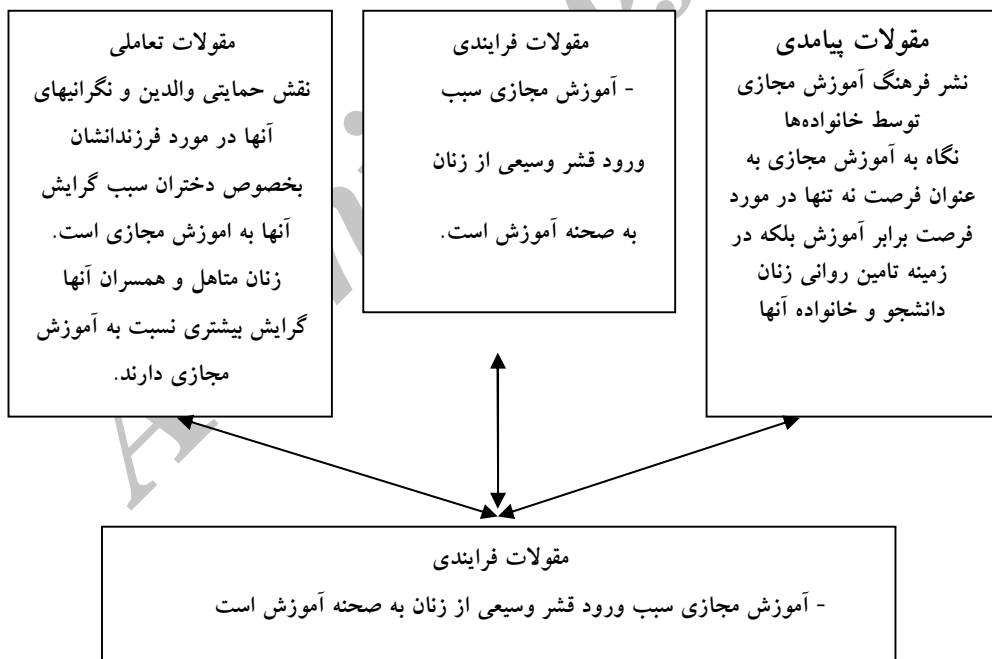
استاد دانشگاه ب. 11 خانواده‌ای که حساسیت نسبت به دخترشان دارند حساسیت به افزایش آگاهی دخترشان هست یا حتی به اختلاط دخترشان حساس هستند. اگر حساسیت نسبت به مورد دومی باشد آموزش مجازی خوب است گاهی خانواده‌ای با تدریس دختر، در جاهای دور مشکل دارند در خوزستان یا ... دخترشان حتی در حوزه علمیه دورتر از خودشان باشد مشکل دارند. اصولا بسیاری از خانواده‌ها با درس خواندن دخترشان در راه دور مشکل دارند و یا که نگران آلوده شدن دخترشان هستند این دسته از آموزش مجازی

به خوبی سود می‌برند.

دانشجوی کارشناسی ا. شماره 13 در برخی از مناطق ایران مانند دهکده‌ها و شهرها دور دوست ندارند دختران وارد دانشگاه شوند و آموزش مجازی را اگر بشناسند حمایت می‌کنند.

ب- نگاه به آموزش مجازی به عنوان فرصت جهت تلفیق نقش مادر (یا پدر بودن) با ادامه تحصیل، موثر و کارآمد بودن در جامعه تعداد بسیاری از دانشجویان در این رابطه اتفاق نظر داشتند.

دانشجوی کارشناسی ا. شماره 2 زنان دانشجو که فرزند دارند خواهان آموزش مجازی هستند و آموزش مجازی این فرصت را به آنها می‌دهد که هم مادری کنند و هم تحصیل کنند و یا نظر دانشجوی ارشد ت. شماره 15 زنان با آموزش مجازی می‌توانند چندین کار را همزمان مدیریت کنند، نگهداری از فرزندان، مدیریت منزل و تحصیل هم بکنند.



نتیجه گیری

گسترش آموزش مجازی در ایران و سرمایه‌گذاری در این آموزش می‌تواند فرصتهایی را برای زنان ایران جهت شناسایی نقش زنان و آگاهی بخش به جامعه در مورد نقش خطیر زنان در جامعه و خانواده داشته باشد. آموزش مجازی زمانی می‌تواند فرصت محسوب گردد که زنان و مردان بدون برخورد جنسیتی با آنها، با فرصتهای برابر آموزشی و بر اساس عدالت آموزشی بتوانند از طریق آموزش به ایفای نقش در جامعه بپردازند و توسعه آموزش مجازی به عنوان هدف متعالی آموزش راهی برای عدالت آموزشی و فرصتهای برابر آموزشی است که از طریق سیاستگذاریهای مناسب می‌تواند در اختیار همگان قرار گیرد. دو گانگی نگاه به آموزش مجازی از بُعد جنسیتی را می‌توان حاصل تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و ناهمگونی افراد جامعه در این زمینه دانست بطوریکه نگاه برخی از مصاحبه شونده‌گان در این پژوهش به عامل جنسیت این عامل را عاملی خنثی در ایران فرض می‌کنند در حالیکه برخی دیگر از افراد نقش جنسیتی را در بطن خانواده، بویژه در تأمین امنیت روانی خانواده‌ها و دانشجویان دختر و تبعیت از خرده فرهنگها و تبعیت از سنتها و قومیتها بحث تاهل جستجو می‌کنند در حالی که بنظر می‌رسد عامل جنسیت در رابطه با بافت فرهنگی و نگرشها و باورها شکل می‌گیرد در هیچ یک از مصاحبه‌ها عدم تمایل خانواده‌ها به آموزش دختران و زنان دیده نمی‌شود بلکه این عدم تمایل در رابطه با امنیت جسمانی و روانی دانشجویان است و چون زنان بیشتر از مردان در معرض این آسیبها قرار دارند. عدم تمایل خانواده‌ها در مورد آموزش دختران در مناطق دور از خانواده بیشتر به نقش حمایتی آنها اشاره دارد.

پژوهش حاضر با تحقیقات گلدین (1995) که نشان می‌دهد که بسیاری از زنان حتی زنان نخبه بخاطر جنسیت از تحصیل باز می‌مانند (1980) و تحقیقات گروهی از معلمان دبیرستانهای آمریکا که جنسیت را عامل مهم در تعلیم و تربیت می‌دانند همخوانی نداشته و نیز با تحقیقات جری و جکوبس (2009) که جنسیت و آموزش و پرورش را در سه سطح ورود به تحصیلات بالاتر، تجارب دانشکده‌ها و فرایندهای بعد از آموزش مورد بررسی قرار داده‌اند و معتقد هستند که بافت محیطی و پیگیری زنان در مورد عامل آموزش زنان نقش عمده دارد همخوانی دارد.

با توجه به نظریه زمینه‌ای ارائه شده می‌توان موارد زیر را بعنوان پیشنهاد ارائه نمود:

الف: سنتها و خرده فرهنگها و مسائل قومیتی که گاهی بصورت تعصب آمیز در مورد زنان و آموزش آنها اجرا می‌گردد و می‌تواند صدمات جبران ناپذیر روانی به این قشر از جامعه وارد سازد که از طریق آموزش مجازی می‌توان این صدمات را کاهش داد.

ب: فرهنگ‌سازی در مورد آموزش مجازی به عنوان فرصت برای مدیریت همزمان خانواده، اشتغال و آموزش زنان و تأمین روانی زنان و خانواده آنها از طریق رسانه‌ها به- عنوان الویت فرهنگی - ملی قلمداد گردد.

منابع

- قرآن کریم، سوره حجرات، آیه 13.
- احمدی، عزت اله، گروسی فرشی، میرتقی. (1385). بررسی عوامل مؤثر بر خودباوری دانش‌آموزان؛ فصلنامه روانشناسی دانشگاه تبریز؛ سال اول؛ شماره 2 و 3.
- رابرتسون، یان. (1944). درآمدهای جامعه (با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی ستیز و کنش متقابل نمادی)؛ ترجمه حسین بهروان، انتشارات قدس رضوی: شرکت به نشر، چاپ چهارم.
- گریسون، د. آ. و اندرسون، ت. (2003). یادگیری الکترونیکی در قرن 21؛ ترجمه محمد عطاران؛ تهران: انتشارات مدارس هوشمند.
- محمدی، بیوک. (1387). پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول: تهران.
- منصوریان، یزدان. (1388). کارگاه آموزش تحت عنوان آشنایی با مبانی پژوهش‌های کیفی. تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- نادری، عزت اله، سیف نراقی، مریم. (1388). روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی؛ تهران: نشر ارسباران، ویرایش هفتم.

Bailey, S. (1992) *How Schools Shortchange Girls: The AAUW Report*.

New York, NY: Marlowe & Company

Bradley, K. (2007). *Don't just do it. Montessori Leadership On Line*.

Retrieved March 22, 2008 from

www.montessori.org/sitefiles/MLOL_March_08/MLOL_03_08.pdf

-Bradley, K. (2008). Single Gender y—why? Retrieved April 2, 2008

from http://www.y.com/reference/topic/ChoosingSchool_Public/

-Bruner, J. (1996). *The culture of y*. Harvard university press

- "College Gender gap widens: 57% are women". *USA Today*. 19 October 2005. http://www.usatoday.com/news/y/2005-10-19-male-college-cover_x.htm. Retrieved 3 May 2010.
- Chapman, Amanda. (2008). Gender Bias in Education" 15 <<http://www.edchange.org/multicultural/papers/xbias.html>>. Fillip, Barbara. (2002). Gender GLOBAL E-LEARNING Knowledge for Development, LLC
- Gender and the Digital Divide Seminar Series.*
- Glaser. B & Strauss, A. (1967). discovery of grounded theory. *new Brunswick: a line transaction publishers.*
- Jacobs, J. A. (1996). Gender Inequality and Higher Education. *Annual review of Sociology* (22) : 153-85.
- Jones, K., Evans, C., Byrd, R., Campbell, K. (2000). Gender equity training and teaching behavior. *Journal of Instructional Psychology*, 27 (3), 173-178.
- Lowenthal, P. R., Wilson, B., & Parrish, P. (2009). Context matters: A description and typology of the online learning landscape. In M. Simonson (Ed.), *32nd Annual proceedings: Selected research and development papers presented at the annual convention*
- Marshall, C.S. & Reihartz, J. (1997) gender issues in the classroom. *Clearinghouse*, 70 (6), 333-338
- Masoumi, D. (2006). *Crucial Conditions for Effective e-Learning*; Szczecin, Poland: The e-Quality Seminar.
- Nguyen. N. Stritikus .f. Strategic Transformation: Cultural and X Identity Negotiation in First-Generat; *University of Wisconsin-Madison- American Yal Research Journal*, Vol. 37, No. 2, 317-348 (2000)
- O'Neill, T. (2000). Boys' problems don't matter. *Report/ Newsmagazine (National Edition)*, 27 (15), 54-56.
- Pearson, J. (2008). Gender Education and." Blackwell Encyclopedia of Sociology. Ritzier, George (ed). <http://www.blackwellreference.com.libproxy.lib.unc.edu/subscriber/tid>
- punch, k. (2005). *Introduction to social research: quantitative and qualitative approaches* (2ed). London ltd.
- Reay, D. (2001). 'Spice girls', 'Nice Girls', 'Girlies', and 'Tomboys'; x discourses. *Girls' cultures and femininities in the primary classroom. X and Y*, 13 (2), 153-167.
- Schmitz, S.; and Nikoleyczik, K. (2009). Tran disciplinary and x-sensitive teaching: didactical concepts and technical support; *International Journal of Innovation in Y*; Volume 1, Number 1.

- Strauss. A. and corbin. J. (1998). Basic of Qualitative research :grounded theory procedures and technique (2nd edition), *sage new bury park London*.
- Tavangarian, D., Leypold, M., Nölting K., Röser M. (2004). Is e-learning the Solution for Individual Learning?; *Journal of e-learning*.

Archive of SID